خط حزب‌الله

هفته‌نامه خبری-تبیینی | سال چهارم، شماره ۱۹۹ | هفته دوم شهریور ۹۸ | نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | KHAMENEI.IR

مذاکره با آمریکا قطعا منتفی است

حالا آقای رئیس جمهور که هیچ، وزیر خارجه و عناصر وزارت خارجه هم همین جور

۱- درست یا نادرست، در روابط بین‌الملل دو موضوع حرف اساسی را می‌زند: «قدرت» و «منافع ملی». قدرت «جایگاه» هر کشور را در دنیای امروز مشخص می‌کند. کشورها به میزان قدرتی که دارند، در جهان «اعتبار» و وزن پیدا می‌کنند. همین موضوع هم موجب می‌شود که دست بالاتر یا پایین تر را در دنیا داشته باشند. کشورهایی که قدرت کمتری دارند، معمولا شکست‌خورده‌ی همیشه‌ی دنیای جنگ یا دیپلماسی هستند. مصر که زمانی ام‌القرای جهان اسلام بود و مهد روشنفکری، تنها به سبب آنکه در بستر زمان، قدرت خود را از دست داد، گرفتار بلیه‌ی عقب‌ماندگی این روزها شده است.

البته واضح است که منظور از قدرت، صرفا قدرت نظامی یا حتی قدرت مادی نیست، این دو اگرچه مهم‌اند اما سایر عرصه‌های قدرت (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) نیز از اهمیت زیادی برخوردارند. همچنین موضوعی مانند «جذابیت گفتمانی» یا «عمق راهبردی» نیز از جمله مؤلفه‌های مهم قدرت در حوزه‌ی فرامادی محسوب می‌شوند که اتفاقا از جهاتی حتی مهم‌تر از قدرت مادی هستند. پس کشورها چاره‌ای ندارند برای آنکه سرنوشت‌شان محتوم به شکست نشود، همواره بر «مؤلفه‌های قدرت» خود بیفزایند.

۲- «منافع ملی» نیز موضوع دوم و مهم تأثیرگذار در روابط بین ملت‌ها است. اما «مسئله اینجا است که منافع ملّی را چه‌جوری تعریف کنیم، چه‌جوری شناسایی کنیم؛ چه چیزی را واقعاً منافع ملّی بدانیم و چه چیزی را نه. آن نکته‌ی اساسی که مورد نظر بنده است و می‌خواهم عرض بکنم، این است که منافع ملّی آن وقتی منافع ملّی هستند که با هویّت ملّی ملّت ایران، با هویّت انقلابی ملّت ایران در تعارض نباشند. آن وقتی منافع واقعاً منافع ملّی هستند که با هویّت ملّت در تعارض نباشند، وَالّا آنجایی که ما چیزی را به‌عنوان منافع ملّی در نظر می‌گیریم لکن هویّت ملّی را پایمال می‌کنیم، قطعاً اشتباه کرده‌ایم، این منافع ملّی نیست؛ این چیزی است که از دوران مشروطه تا قبل از انقلاب، متأسّفانه سرنوشت همیشگی کشور ما بوده؛ هویّت ملّی را زیر پا لگدمال کردند. البتّه از قبل از دوران پهلوی، از اواخر دوران قاجار، این حالت پیش آمده. هویّت ملّی همیشه پامال چیزهایی شده است که به‌عنوان منافع ملّت ایران به نظر مدیران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان می‌رسیده و اجرا می‌کردند؛ این یعنی معکوس کردن نسبت. منافع ملّی بایستی با هویّت ملّی تطبیق داده بشود، نه اینکه هویّت ملّی تابع منافع ملّی قرار بگیرد، که قهراً منافع تخیّلی است.» ۹۶/۳/۲۲

۳- این روزها موضوع «مذاکره» مجددا در رسانه‌ها مطرح شده است و برخی افراد معتقدند که تنها گزینه‌ای که برای حل مشکلات کشور و تأمین منافع ملی وجود دارد مذاکره است. دراین‌باره اما چند نکته حائز اهمیت است:

اول: تعامل و مذاکره‌ی با کشورها، یکی از توصیه‌ها و اصول سیاست‌خارجی همیشگی جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب، از دیرباز تاکنون بوده است. این موضوع آن‌قدر اهمیت دارد که رهبر انقلاب در روز تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری آقای روحانی، یکی از سرفصل‌های لازم در دولت دوازدهم را همین مسأله مطرح کردند: «[یکی از جهت‌گیری‌های لازم در دولت دوازدهم] تعامل گسترده‌ی با دنیا است؛ این توصیه‌ی همیشگی ما است که این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمنان ما و سلطه‌گران عالم دنبالش هستند. ما می‌توانیم با دنیا ارتباطات وسیع و گسترده‌ای داشته باشیم، هم به ملّت‌ها و دولتهای دیگر کمک کنیم، هم از کمک آنها بهره‌مند بشویم؛ حیات اجتماعی بشریّت این جور پیش می‌رود: همکاری، همدلی، همراهی، تعامل با دنیا؛ اقلیم ما، جغرافیای ما، امکانات فراوان ما، این را برای ما آسان می‌کند.» ۹۶/۵/۱۲

دوم: آنکه مذاکره زمانی منتج به تأمین منافع ملی خواهد شد که مؤلفه‌های قدرت کشور در شرایط مناسبی قرار داشته باشد. «آن‌وقتی که جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فرهنگی، به آن اقتداری که ما در نظر گرفته‌ایم برسد، آنجا برود مذاکره کند؛ حرفی نیست. امروز چنین چیزی وجود ندارد؛ ما اگر چنانچه برویم مذاکره کنیم، قطعاً این مذاکره به ضرر ما تمام خواهد شد؛ مذاکره با یک طرف زورگوی این‌جوری، به ضرر ما تمام خواهد شد.» ۹۷/۵/۲۲

سوم: گرچه اروپایی‌ها در تعامل با ایران تا به امروز، صرفا وعده‌های روی کاغذ داده و اقدام عملی انجام نداده‌اند، اما این به معنای قطع رابطه یا مذاکره‌ی با آنها نیست. «بنده قبلاً هم گفته‌ام، الان هم می‌گویم که ارتباط با اروپا باید ادامه پیدا کند. البتّه اروپا یک شکل نیست، جاهای مختلفش مختلفند، در یک چیزهایی مشترکند، در یک چیزهایی نه، جور دیگرند، روش‌های مختلفی دارند. به‌هرحال با مجموعه‌ی اروپا -کشورهای اروپایی، نه جامعه‌ی اروپا- با کشورهای اروپایی بایستی ادامه‌ی ارتباط باشد امّا قطع امید کنید از اینها... این قطع امید به معنای قطع رابطه نیست، به معنای قطع مذاکره نیست؛ به معنای این است که ما تصمیم خودمان را جور دیگری بگیریم.» ۹۷/۶/۷

و **چهارم** هم آنکه در این بین، دو استثناء وجود دارد: آمریکا و رژیم صهیونیستی. دلیل منع مذاکره با آمریکا نیز مبتنی بر تجربه‌هایی است که ملت ایران در طول این چهل سال (و مخصوصا در سال‌های اخیر در ماجرای برجام) آن را کسب کرده است. اگر هدف از مذاکره تأمین منافع ملی کشور است، مذاکره با آمریکا به وضوح نشان داده که نه تنها در بردارنده‌ی منافع ملی نیست، بلکه مضرات فراوانی برای کشور دارد. وگرنه «آن روزی که رابطه‌ی با آمریکا مفید باشد، اول کسی که بگوید رابطه را ایجاد بکنند، خود بنده هستم.» ۸۶/۱۰/۱۳ بنابراین «اینکه حالا باز بعضی زمزمه شروع کرده‌اند که «در حاشیه‌ی اجلاسِ مجمعِ عمومی، ممکن است مذاکره انجام بگیرد»، این به طور قطع منتفی است؛ یعنی معنی ندارد یک چنین چیزی. آنها که آن ظاهرسازها بودند، آن‌جوری عمل کردند با ما؛ اینها که آدم‌های وقیحِ مُتهتّک پُرروی صریح شمشیر از رو بندند؛ با اینها چه مذاکره‌ای؟ اصلاً معنی ندارد. حالا آقای رئیس‌جمهور که هیچ، وزیرخارجه و عناصر وزارت خارجه هم همین‌جور؛ هیچ معنی ندارد با اینها مذاکره کردن.» ۹۷/۶/۷

این شماره تقدیم می‌شود به شهدای عملیات کربلای ۲*

با تکریم شهدا منتی بر آنان نداریم

بزرگداشت شهیدان و تکریم نام آن بزرگمردان، بیش از خود آنان، ملتی را که این گوهرهای ناب را در درون خود پرورانده است، سرافراز می سازد. ما با این تکریم، منتّی بر آنان نداریم؛ آنانند که با درخشش خود، ما را سرافراز و درخشان کردند و بر ما منت نهادند. ۹۲/۷/۴

*عملیات کربلای ۲ در سال ۱۳۶۵ در منطقه‌ی عملیاتی حاج عمران عراق با هدف ترمیم خط پدافندی، خارج کردن عقبه‌ی خودی از دید و تیر دشمن طرح ریزی شده بود. از ویژگی های این عملیات شهادت شهید محمود کاوه و حضور گردانی از اسرای داوطلب عراقی در این عملیات بوده است.

نشریه جامعه مؤمن و انقلابی
صاحب‌امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای)
ارتباط با خط حزب‌ا...
پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸
دورنگار: ۰۲۱-۶۶۹۷۷۳۲۸
ایتا: eitaa.com/khattehezbollah
بله: ble.im/khattehezbollah
گپ: Gap.im/KhatteHezbollah
سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah

کلام امام

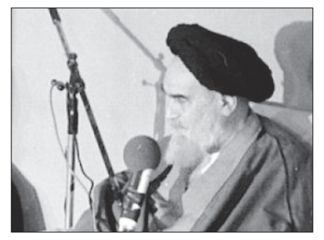

تکلیف ما در آستانه ماه محرم چیست؟

تکلیف ما در آستانه‌ی شهر محرم‌الحرام چیست؟... سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را: فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان... آنها به ما فهماندند که در مقابل جائر، در مقابل حکومت جور، نباید زن‌ها بترسند و نباید مردها بترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب(سلام‌الله‌علیها) ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی‌امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند، و صحبت‌هایی که در بین راه و در کوفه و در شام و اینها کردند و منبری که حضرت سجاد(علیه‌السلام) رفت و واضح کرد به اینکه قضیه، قضیه‌ی مقابله‌ی غیر حق با حق نیست؛ یعنی، ما را بد معرفی کرده‌اند؛ سیدالشهدا را می‌خواستند معرفی کنند که یک آدمی است که در مقابل حکومت وقت، خلیفه‌ی رسول‌الله ایستاده است. حضرت سجاد این مطلب را در حضور جمع فاش کرد و حضرت زینب هم. ۶۱/۷/۲۵

خاطرات رهبری

آقا سید! جدت با ما است

بعد از نماز ظهر یکی از روزها در راهروی زندان نشسته بودم و به تنهایی ناهار می‌خوردم... ناگهان مأموری مرا صدا زد و گفت: شما را در دفتر می‌خواهند. من عبایم را روی دوش انداختم و به دفتر افسر زندان رفتم. وقتی مرا دید، گفت: شما آزاد هستی؛ وسایل خود را جمع کن و برو بیرون. با دلی لبریز از خوشحالی به سلول برگشتم. این خوشحالی با قدری تأسف هم توأم بود؛ تأسف از جدایی از برادرانی که در پی آن معاشرت دلپذیر شبانه‌روزی زندان، خیلی با آنها انس گرفته بودم. در حال جمع‌وجور کردن وسایلم بودم که دیدم مأموری در داخل زندان با صدای بلند گفت فلانی آزاد شد. همه‌ی زندانیان از سلول‌هایشان بیرون ریختند و مرا در جمع‌آوری وسایل مانند پتو و غیره که برخی خویشان تهرانی به زندان آورده بودند و البته اندک هم بود به کمک کردند. مأمور، آن وسایل را برداشت و بیرون برد. بعد برادران عرب جمع شدند و به شیوه‌ی عرب‌ها «هوسه» کردند، و تکرار می کردند: «یاسید جدک ویانا».

منبع: خون دلی که لعل شد

حزب‌الله این است

جوان‌های مؤمن در دانشگاه حرف برتر را می‌زنند

یک نفر می‌آید فکر و شبهه و پیشنهاد فکری‌ای را در میان می‌گذارد؛ اگر بخواهیم درست انتخاب کنیم، باید بتوانیم آن را بشناسیم، بفهمیم، تجزیه و تحلیل کنیم و نقاط و بخش‌های غلط آن را کنار بزنیم؛ و اگر بخش درستی دارد، آن را بگیریم و با بخش‌های درستِ خودمان در هم بیامیزیم و مخلوق خودمان را ارائه دهیم. اگر هم عنصر درستی ندارد، همه‌اش را توی زباله‌دانی بریزیم. قبل از انقلاب وقتی ما با جوان‌های مؤمن دانشجو مواجه می‌شدیم، می‌دیدیم به برکت روشنفکریِ نو و پیشرفته‌ی اسلامی، در محیط دانشگاه حرف برتر را اینها می‌زنند. فعلاً چپِ آن روز در مواجهه‌ی با اینها می‌ماندند؛ این یک واقعیت بود. می‌دانید که آن روز تفکرات چپ و مارکسیستی به شکل ملایم‌ترش در محیطهایی مثل کشور ما به عنوان حرف‌های نو ترویج می‌شد. البته نو هم نبود، اما به عنوان حرف نو ترویج می‌شد. به دانشگاه‌ها می‌آمدند و ماتریالیسم دیالکتیک و دیگر بحث‌های مارکسیستی را برای بچه‌ها شرح می‌دادند. بچه‌های مذهبی که ریشه‌ی فکرشان در پایه‌های قرآنی و تفسیری مستحکم شده بود، در دانشگاه‌ها مثل سدی در مقابل اینها بودند و مثل فولادی در دل حصار اینها نفوذ می‌کردند. ۸۴/۵/۳

چرا نیروهای مؤمن و انقلابی باید نهج‌البلاغه بخوانند

نهج‌البلاغه آئین‌نامه انقلاب اسلامی است

مطالعه‌ی کتاب شریف نهج‌البلاغه یکی از توصیه‌های همیشگی رهبر انقلاب به جوانان و دانشجویان بوده است که در سال‌های اخیر پررنگ‌تر هم شده است. البته این توصیه از حدود ۴۵ سال پیش که ایشان به‌عنوان امام جماعت مسجد در مشهد، یکی از کانون‌های نشر معارف دینی را در این شهر سامان می‌داد تاکنون یکی از چند توصیه‌ی اصلی ایشان بوده و در کنار جلسات تفسیر قرآن و شرح حدیث و جلسات دروس حوزوی، جلسات نهج‌البلاغه‌ی ایشان مورد توجه دوستان و علاقمندان بوده است.

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در روزهای اخیر، بخش‌هایی از جلسات شرح نهج‌البلاغه‌ی ایشان را در سه مجلد جداگانه عرضه کرده است. جلد اول که شامل بیانات ایشان در جلسات مساجد شهر مشهد در سال‌های ۵۲ و ۵۳ است با عنوان «منشور حکومت علوی» منتشر شده است. جلد دوم از این مجموعه نیز به بیانات ایشان در جلسات تابستانی شاخه‌ی دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال ۵۹ اختصاص یافته که در این جلسات آیت‌الله خامنه‌ای از ۱۱ تیر ۵۹ تا ۱۹ شهریور به موضوع «نبوت‌ها در نهج‌البلاغه» پرداخته اند. شرح بخش‌هایی از نهج‌البلاغه که در ابتدای دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت در ۳۰ سال گذشته مطرح شده است نیز شاکله‌ی جلد سوم از این مجموعه را با عنوان «راه روشن مدیران» تشکیل داده است. نشریه‌ی خط حزب‌الله ضمن معرفی این مجموعه‌ی سه جلدی، ۷ نکته‌ی مقدماتی که از نگاه رهبر انقلاب برای مطالعه‌ی نهج‌البلاغه ضروری و لازم است را از کتاب نبوت‌ها در نهج‌البلاغه منتشر می‌کند.

راه روشن مدیران
نهج البلاغه

شباهت دوران جمهوری اسلامی به دوران حکومت علوی

۱

همان‌طوری که می‌دانید امیرالمؤمنین در موضع یک معلم و اسلام‌شناس و نیز در موضع یک حاکم با مردم خود حرف می‌زد و سخنرانی می‌کرد، و این خطبه‌ها مجموعه‌ی آن سخنرانی‌هاست؛ ناگزیر این سخنان ضمن این که خطوط کلی اندیشه‌ی اسلامی را در خود منعکس می‌کند، ناظر به مسائل روز، مسائل جاری و مشکلات زندگی امیرالمؤمنین نیز هست. ما در زمان خودمان و در دوره‌ای که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پدید آمده وجوه مشابهت زیادی میان وضعیت جامعه‌ی خود و وضعیت جامعه‌ی امیرالمؤمنین بدست بیاوریم... چون چنین است پس نهج‌البلاغه برای ما از دو نظر اهمیت پیدا می‌کند، اوّلاً از نظر طرح مسائل اصولی اسلام، طرح مسأله‌ی الله، طرح مسأله‌ی انسان و مشخص کردن دیدگاه‌های اسلام درباره‌ی انسان، طرح مسأله‌ی نبوت و موضع نبوت در تاریخ انسان و شأن نبی و رسالت نبی و از این قبیل مسائلی که در باب نبوت هست... [ثانیاً] نهج‌البلاغه اشاره می‌کند به مسائل اجتماعی در محیطی منافقانه و مشتبه؛ و چون ما در چنان محیطی امروز قرار داریم پس مسائل زندگی و مسائل سیاسی و مشکلات و دردها و احیاناً راه‌حل‌ها... می‌تواند از نهج‌البلاغه شناخته و الهام گرفته بشود.

تاریخ دارد به طرف علی(علیه‌السلام) پیش می‌رود

۲

ما امروز بعد از هزار سال از تدوین نهج‌البلاغه بیشتر قدر نهج‌البلاغه را می‌دانیم تا یک عالم بزرگ در قرن چهارم هجری. یعنی بشریت به طور طبیعی به سمتی پیش رفته که سخن علی و پیام علی و آهنگ اسلام از حنجره‌ی علی برایش مغتنم‌تر هست تا قرن‌ها پیش، و این چیز بسیار مهمی است که شما ببینید آن زمانی که رضی این سخنان را جمع می‌کرد اوّلاً در جهان اسلام کم بودند کسانی که به علی بن ابیطالب و سخن او با آن چشمی نگاه کنند که امروز شما نگاه می‌کنید... ثانیاً آنهایی هم که بودند و به سخن علی می‌رسیدند و او را جمع می‌کردند، بیش از آنچه که به محتوا اهمیت بدهند... به لفظ و قالب هم آنچنان بهایی می‌دادند که اگر جایی قالب به آن زیبایی و شیوایی نبوده، آن را حاضر بودند قیچی کنند، بگذارند کنار و آن زیباترهایش را جمع کنند. اگر شما بودید این کار را نمی‌کردید... سعی می کردید که از محتوای کلام علی بیشتر استفاده کنید... پس تاریخ دارد به طرف علی پیش می‌رود و این یک واقعیت است.

سه موضوع اصلی مطالب نهج‌البلاغه اینهاست

۳

امهات مسائل نهج‌البلاغه چند چیز است: ۱-اعتقادات. البته اعتقادات را علی‌بن‌ابیطالب به شیوه‌ی متکلمان قرن سوم و چهارم مطرح نکرده، بلکه همراه با یک بینش و ذوق معنوی و عرفانی معنا کرده؛ و لذا اگر انسان در باب توحید کلام علی را بشنود خواهد دید که از لحاظ کل قواره‌ی بیان و سخن، کلام علی متفاوت است... پس اوّل اندیشه و فکر اسلامی و افکار اسلامی مثل توحید، مثل انسان، مثل قیامت، مثل نبوت، مثل مسأله‌ی امامت و سایر مسائل اصولی اسلام. ۲- مسائل اجتماعی و سیاسی؛ که چه آنهایی که ناظرِ به سیاست کلی است، مثلاً چگونگی اداره‌ی کشور و روابط حاکم با زیردستان، با مردم؛ مثلاً نامه به مالک‌اشتر به مصر، برخوردِ با دشمن؛ قاطعیت همراه با اجتناب از کینه‌توزی‌های بیجا؛ اما دقیقاً مرز دشمنی و دوستی را حراست کردن و دچار ساده‌لوحی و ساده‌اندیشی نشدن و مسائل فراوان دیگر اجتماعی، چه مربوط به آن زمان و چه مربوط به کل جامعه، به کل تاریخ. ۳-اخلاق. تربیت نفس، تهذیب و تزکیه‌ی انسان. این سه فصل بزرگ و کلی و سه عنوان اصولی از نهج‌البلاغه است.

خود علی(علیه‌السلام) نهج‌البلاغه مجسّم است

۴

شما امروز می‌فهمید که ما به نهج‌البلاغه چقدر احتیاج داریم. نهج‌البلاغه در حقیقت شخصیّتِ خطّی و رسمی امیرالمؤمنین است؛ یعنی خود علی نهج‌البلاغه‌ی مجسّم است و این یکی دیگر از خصوصیّات امیر مؤمنان است که به آنچه می گوید عمل می کند و آنچه را می‌خواهد، در زندگی خود هم پیاده می کند. امیرالمؤمنین، شخصیّتِ خودش و زندگی خودش کلمه‌کلمه و سطربه‌سطر تفسیر نهج‌البلاغه و تفسیر قرآن است؛ و لذا شما وقتی نهج‌البلاغه را بخوانید، هم تاریخِ زندگی علی را دانسته‌اید، هم اسلام را شناخته‌اید.

مطالعه موضوعی همراه با شرح و تفصیل نهج‌البلاغه بهتر است

۵

چند شیوه کار [برای مطالعه‌ی نهج‌البلاغه] مطرح می‌شود، دم دست‌ترینش شیوه‌ای است که بنده در سال‌ها پیش هم این شیوه را داشتم و این راه را پیمودم. گزینش بخش‌های برجسته‌ای از کتاب شریف نهج‌البلاغه و شرح و تفصیل و بیان وافی و کافی از آن. البته شیوه‌های دیگر هم برای بحث وجود دارد، از جمله این که یک خطبه را بگیریم اوّل تا آخر معنا کنیم و از جمله این که بحث را موضوعی کامل بکنیم. یعنی آن شیوه‌ای که من قبلاً اشاره کردم می‌تواند موضوعی باشد نه موضوعی کامل، نیمه موضوعی می‌تواند باشد که البته این کار سوم در صورتی که وقت و فرصتی وجود می‌داشت اُولی‌تر بود و مفیدتر.

کتاب سیری در نهج‌البلاغه شهید مطهری کلید خوبی برای شروع است

۶

ما اگر بخواهیم امروز انقلاب اسلامی را ادامه بدهیم - یعنی آنچه به معنای واقعی کلمه «انقلاب اسلامی» است- بایستی اسلام را همه‌جانبه مراعات کنیم که نمودارش نهج‌البلاغه است، و برگردیم به نهج‌البلاغه و بازیابی کنیم نهج‌البلاغه را... برادران و خواهران عزیز! کتاب سِیری در نهج‌البلاغه، نوشته‌ی مرحوم شهید مطهّری، می تواند کلید بسیار خوبی و مشکل گشایی برای ورود در بحث‌های نهج‌البلاغه باشد. البتّه کافی نیست؛ کلید مشکل گشایی است برای ورود در نهج‌البلاغه، امّا به آن نباید اکتفا کنیم؛ نهج‌البلاغه را بایستی بخوانیم.

نهج‌البلاغه، آئین‌نامه انقلاب اسلامی است

۷

نهج‌البلاغه یک کتابی است که حکایت می کند از چندبُعدی بودن اسلام و چندبُعدی بودن انسان و بالتّتیجه، چندبُعدی بودن انقلاب اسلامی. خود نهج‌البلاغه هم که کتاب تدوین شده‌ی انقلاب اسلامی است و آئین‌نامه‌ی این انقلاب می‌توان به حسابش آورد، دارای همین خصوصیّت است؛ یعنی در آن، میدان‌های وسیعِ زندگیِ انسان و بُعدها و جانب‌های گوناگون وجود انسان که همه در اسلام هست، منعکس است.

هیئت تراز

برای یک بیت شعر تأثیرگذار بهشت را وعده داده‌اند

«من قال فینا شعراً و بکی أو أبکی وجب له الجنّة»(۱) کسی شعری درباره‌ی ما بگوید و چشمی را بگریاند، بهشت بر او واجب می‌شود - معنایش چیست؟ معنایش این است که بهشت را ارزان کرده‌اند؟ بهشتی که این همه باید عبادت کرد تا به آن رسید، آیا آن را این‌طور دم دستی کرده‌اند؟ یا نه؛ آن کار، آن شعر گفتن و تسخیر دل با آن شعر و انتقال یک مطلب در آن روز، آن‌قدر مهم بوده که به خاطر آن اهمیت، جا داشته است که در مقابل یک بیت شعری که این گونه تأثیر می‌گذارد، بهشت را به او وعده دهند. هر وقت شعر شما این اثر را داشته باشد، بدون بروبرگرد، همان وعده‌ی بهشت در مقابلش وجود دارد. این یک محاسبه‌ی کاملاً منطقی و روشن است. ۸۰/۶/۱۸

۱) ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ص ۸۴

خانواده ایرانی

نگذارید حضور زنان فعّال در جبهه انقلاب کمرنگ شود

زنان فعّالِ در جبهه‌ی انقلاب، یک روزی نقش‌آفرینی برجسته‌ای کردند - هم اندکی پیش از پیروزی انقلاب، هم در اوائل انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی- و از خودشان حضور نمایانی نشان دادند؛ نگذارید حضور نمایان زنان فعّال در جبهه‌ی انقلاب کمرنگ بشود. دیگران در مواجهه‌ی با انقلاب و معارضه‌ی با انقلاب سعی می‌کنند از عنصر زن و زنانِ کارآمد استفاده کنند؛ جبهه‌ی انقلاب، زنان کارآمد و فعّال و زبان‌آور و نویسنده و عالِم و دانشمند بمراتب بیشتر دارد؛ خانم‌هایی که اهل اِقدامند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتنند، اهل فکر دادنند، صحنه‌ی انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند. ۹۲/۲/۲۱

روایت تاریخی

اگر فداکاری بزرگ حسین‌بن‌علی نمی‌بود...

اساس دین با عاشورا پیوند خورده و به برکت عاشورا هم باقی مانده است. اگر فداکاریِ بزرگ حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام نمی‌بود که این فداکاری، وجدان تاریخ را به کلّی متوجّه و بیدار کرد در همان قرن اول یا نیمه‌ی قرن دوم هجری، بساط اسلام به کلّی برچیده می‌شد. قطعاً این گونه است. اگر کسی اهلِ مراجعه به تاریخ باشد و حقایق تاریخی را ملاحظه کند، این را تصدیق خواهد کرد. چیزی که وجدان جامعه‌ی اسلامی را در آن زمان برآشفت و اسوه و الگویی برای بعدی‌ها شد، همین حادثه‌ی عجیبی بود که تا آن روز در اسلام سابقه نداشت. البته، بعد از آن، نظایر بسیاری پیدا کرد؛ اما هیچ کدام از آن نسخه‌ها، مطابق اصل نبود. امّت اسلام، شهیدان زیادی داد. شهدای دستجمعی داد. اما هیچ کدام به پای حادثه‌ی عاشورا نرسید. ۷۲/۳/۲۶

دیدار اعضای مؤسسه رویان با رهبر انقلاب | ۸۲/۶/۱۱

رویان نمونه چشمگیر آن چیزی است که انسان آرزو دارد

مؤسسه‌ی رویان، یک مؤسسه‌ی موفق و یک نمونه‌ی کامل و چشمگیر از آن چیزی بود و هست که انسان آرزویش را دارد. علت اینکه من به مرحوم سعید کاظمی اینقدر علاقه داشتم و الان هم در دلم و در ذهنم برای آن جوان عزیز، ارزش و جایگاه قائلم، همین است. حرکت او، نحوه‌ی کار او، مدیریت او، پیگیری او، یک مجموعه‌ی کاملی بود از آن چیزی که آدم دوست می‌دارد و آرزو دارد. ۸۶/۴/۲۵

مطالعه رهبری

بلای بزرگ برای کشور

این یک بلای بزرگی است برای کشور؛ یک راه درآمد راحتی است که نفت را از چاه بکشیم بیرون و برویم به یک قیمتی بفروشیم؛ یک درآمد مفت و آسان! از اوّل -از دوران‌های قبل- به این شیوه عادت کرده‌ایم؛ این به ضرر ما تمام شده، واقعاً به ضرر ما تمام شده. کشورهایی هستند که یک قطره نفت هم در آنها تولید نمی‌شود، [ولی] گشتند، راه‌های دیگری را پیدا کردند، راه‌های بهتری را پیدا کردند، به نفعشان تمام شد. نفت اختیارش دست ما نیست، دست تولیدکننده‌ی نفت نیست، می‌بینید دیگر؛ نه فقط [هنگام] مسئله‌ی تحریم - حالا تحریم یک چیز عارضی است- [حتّی] آن وقتی هم که تحریم نیست، نفت در اختیار مصرف‌کننده‌های گردن‌کلفت متعارف دنیا است؛ اختیار نفت دست آمریکا و اروپا و اتباع اینها است، قیمت‌گذاری دست آنها است، کارهای گوناگون دست آنها است، توطئه‌ها و حمله‌های آنها... بنابراین ما باید این را در کشور حل کنیم. ۹۸/۵/۳۰

رونق تولید

پول پاشیدنِ بی‌حساب و کتاب ما را به جایی نمی‌رساند

خیلی از این مفاسد و آسیب‌های اجتماعی، درصورتی که اشتغال باشد، از بین خواهد رفت؛ خیلی از این مفاسد ناشی از بیکاری جوان‌ها است. اگر بخواهیم اشتغال به وجود بیاید، باید به مسئله‌ی تولید اهمّیّت بدهیم و تولید داخلی را با شیوه‌های درست، با سیاست‌های دقیق، پیش ببریم. پول پاشیدنِ بی‌حساب‌وکتاب ما را به جایی نمی‌رساند؛ باید حساب کنیم، دقیق عمل کنیم. الحمدلله مجموعه‌ی مسئولین در قوّه‌ی مجریّه دنبال این مسائل هستند، دارند دنبال می‌کنند ان‌شاءالله، ما هم کمکشان می‌کنیم هرچه بتوانیم؛ ان‌شاءالله به نتایجی برسند. ۹۶/۱۰/۱۹

پرسش پاسخ

چرا نسبت به پست‌های موروثی سکوت کرده‌اید؟

اگر من به چیزهایی که این برادر یا خواهر عزیزمان روی این کاغذ نوشته‌اند، برخورد کنم، قطعاً سکوت نخواهم کرد. من جایی را که پست موروثی وجود داشته باشد، سراغ ندارم. البته ممکن است کسانی با ارتباط و اتّصال به کسی یا شخصیتی، تلاش‌هایی بکنند و کارهای اقتصادی‌ای انجام دهند - که البته با اینها باید طبق قانون برخورد شود - اما این که پست موروثی در جامعه وجود داشته باشد که پدر بمیرد، پسر از او ارث ببرد؛ یا برادر بمیرد، برادر از او ارث ببرد؛ من حقیقتاً چنین چیزی را سراغ ندارم؛ والّا اگر باشد، مطمئن باشید که بنده سکوت نخواهم کرد. ۷۹/۱۲/۲۲

شرح حدیث

جوری برنامه‌ریزی کن که انگار تا آخر دنیا زنده‌ای

در یک روایتی می‌فرماید: «اعمل لدنیاک کأنّک تعیش ابدا»؛ یعنی برنامه‌ریزی دنیا را فقط برای چند روزه‌ی زندگیِ خودت نکن؛ برای پنجاه سال برنامه‌ریزی کن... نگوئیم ما که معلوم نیست پنجاه سال دیگر زنده باشیم، چرا برنامه‌ریزی کنیم. نخیر، جوری برنامه‌ریزی کن که گوئی بناست تا آخر دنیا زنده باشی؛ همچنان که اگر برای خودت و به نفع خود بخواهی برنامه‌ریزی کنی، با چه جدیت و دقتی می کنی، برای نسل‌های آینده هم که تو در آن وقت نیستی، همانجور برنامه‌ریزی کن؛ «اعمل لدنیاک کأنّک تعیش ابدا». نقطه‌ی مقابل هم: «واعمل لآخرتک کأنّک تموت غدا»؛(۱) برای آخرتت هم جوری عمل کن، مثل اینکه فردا بناست از این دنیا بروی. یعنی هم برای دنیا سنگ تمام بگذار، هم برای آخرت سنگ تمام بگذار. ۹۱/۷/۱۹

۱) من لایحضره‌الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳